

# تحلیلی از مصطفی زریسفی، معاون بازرگانی سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کرمان

## روز آمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار



برای روز آمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار استفاده کنیم. در مورد سازمان حمایت هم من با آمار صحبت می‌کنم. مطالعاتی که اخیراً در خود سازمان حمایت و بر روی ۶۲ کشور مختلف انجام شده نشان می‌دهد که ۳۰ نهاد در ۳۰ کشور جهان به طور همزمان از مصرف‌کننده و تولیدکننده حمایت می‌کنند. از این ۳۰ نهاد ۲۷ نهاد دولتی و در ۹ مورد، عنوان و نام مشابه سازمان حمایت مصرف‌کننده و تولیدکننده دارند و جالب است که از میان آنها ۸ نهاد تحت نظارت وزارت بازرگانی کشورها هستند.

بنابراین موضوع حمایت دولت از

مصرف‌کننده موضوعی غریب و مختص ایران نیست. بر اساس اصول علوم اقتصادی و اجتماعی، دستیابی به منافع ملی و اقتصادی مستلزم افزایش و با حفظ رفاه افراد جامعه در دو گروه مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان بوده و هست. بنابراین هر گونه اقدام، برنامه یا سیاستی که رفاه یک بخش را افزایش و موجب صدمه و زیان به بخش دیگر شود، قطعاً منافع ملی را به خطر می‌اندازد. پس بهتر است حالا که عزم دولت تدبیر بر اصلاح امور اقتصادی کشور است ما هم از دریچه اقتصاد به شرایط نگاه کنیم. می‌بینیم که آزادسازی بی قید و شرط قیمت و عدم نظارت بر بازار، به بهانه حمایت از تولید، آن هم در شرایطی که کشور در دام رکود تورمی افتاده است، مصرف‌کننده را مجبور می‌کند تا در سطح قیمتهای غیر واقعی تقاضای مصرفی خود را ادامه دهد (مثل همان دانشجویی که مجبور است سفر هفتگی خود را به شهر مقصد جهت ادامه تحصیل به هر طریق انجام دهد) در چنین شرایطی با توجه به ثابت بودن قدرت خرید مصرف‌کننده، این قشر ناگزیرند برای تامین حداقل معاش، بسیاری از هزینه‌های دیگر من جمله هزینه‌های بهداشت و سلامت (به خصوص هزینه‌های دندانپزشکی) و هزینه‌های تفریح و حتی بعضاً هزینه‌های خوراک و تغذیه سالم (مانند لبنیات) را حذف کنند. اگر سرانه مصرف لبنیات در ایران را با میانگین جهانی مقایسه کنیم و با اصلاح آن را با یک دهه قبل کشور خودمان مقایسه کنیم به روشنی به این موضوع خواهیم رسید. در این خصوص قوانین محکمی هم داریم. از جمله «قانون تسهیل رقابت و منع انحصار» (فصل نهم قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴) و نیز «قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان» که نظارت بر قیمت، تأمین و توزیع کالاهای اساسی که

با سلامت و بهداشت افراد جامعه ارتباط مستقیم دارد را وظیفه اصلی و حاکمیتی دولت بر شمرده و این نظارت هرگز قابل حذف نیست همان گونه که در هیچ کشور توسعه یافته‌ای نیز حذف نشده است.

در طول تاریخ، بازار به عنوان یکی از مولدین مهم اقتصادی در کشورهای مختلف همواره از روش‌ها و ساز و کارهای خاص خودش پیروی می‌کرده است.

نه عرضه و تقاضای صرف می‌توانسته برایش شفاف‌بخش باشد و نه کنترل محض. بازار همیشه حرف‌های خاص خودش را در مکاتب اقتصادی زده و می‌زند. یک سری آمده‌اند شعارهای جذاب نئولیبرالی سر داده‌اند که اقتصاد باید آزاد باشد و در سایه آزادسازی محض اقتصادی است که بازار جایگاه واقعی خود را پیدا می‌کند و اقتصاد به شکوفایی می‌رسد که به

نظر می‌رسد اینها فقط شعارهای جذابی باشند و بس. وقتی عالی رتبه‌ترین مقام اجرایی در یک وزارتخانه به خاطر این که سازمان حمایت جلوی افزایش بی‌رویه قیمت بلیت‌های قطار و هواپیما را گرفته آنقدر برافروخته می‌شود که با وصل کردن یک جریان فکری به اندیشه‌های مارکس و هگل می‌گوید سازمان حمایت را منحل کنید، قطعاً احساسات بر منطق اقتصادی چیره می‌شود و نتیجه‌اش می‌شود اقدامات غیر اصولی و غیر کارشناسی.

بدو! ببینیم ببینیم چه کسانی از قطار استفاده می‌کنند؟ اکثر اقسرها دانشجو و سرباز و کارمندان که همگی در دهک‌های درآمدی پایین قرار دارند. افزایش بی‌رویه بلیت قطار که مطمئناً همراه با افزایش سرویس‌دهی و امکانات نخواهد بود (و تجربه این موضوع را به عینیت ثابت کرده) این اقسشار را تحت فشار قرار می‌دهد.

قیمت حمل و نقل طی چند سال اخیر چندبرابر شده است، اما آیا با این رشد قیمت شاهد ایجاد فضای رقابتی بوده‌ایم؟ یا فقط سود انحصارگر را افزایش داده‌ایم؟!

مطمئناً در چنین شرایطی با کمرنگ شدن نقش دولت، مردم که خود را بدون حامی می‌بینند ناچار به اعتراض می‌شوند که شکل امروزی این اعتراضات در قالب کمپین‌های مختلف بروز می‌کند و درست همینجاست که نقش سازمان‌های دولتی از قبیل سازمان حمایت بیش از پیش نمود پیدا می‌کند.

ببینید رهبر معظم انقلاب یکی از سیاست‌های ۲۴ گانه اقتصاد مقاومتی را به روز آمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار اختصاص داده‌اند و قطعاً در نگاه ایشان، مفهوم

روز آمدسازی با حذف کامل نظارت بر بازار تفاوت دارد و بر همه ما فرض است که به جای حذف صورت مساله و فراموشی تدریجی مصرف‌کننده، از ظرفیت‌های کارشناسی وزارت آینده بازرگانی برای تفسیر و تدوین روش‌های موثر

